

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه ی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی

عنوان :

ولایت مطلقه و حاکمیت قانون در نظام حقوق اساسی ایران

دانشجو:

حامد نیکونهاد

استاد راهنما:

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

جناب آقای دکتر سید محمد قاری سیدفاطمی

استاد مشاور:

فرزاد اطلاعات درک منی زاده
نمونه درک

جناب آقای دکتر محمد راسخ

شهریور ۱۳۸۹

« ولله الحمد »

« من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق »

تقدیر و سپاس :

در طلّیعه این سیاهه بر خود فرض می دانم از همه خیرخواهان و دوستانم و همه عزیزانی که به هر نحوی در تهیه و تکمیل این پژوهش مرا یاری رساندند، کمال سپاسگزاری را بنمایم.

از راهنمایی ها و زحمات ارزنده استاد محترم و بزرگوام، جناب آقای دکتر سیدفاطمی که سمت استاد راهنمای اینجانب را بر عهده داشتند صمیمانه متشکرم.

از یاری و بذل توجه مشفقانه استاد محترم و گرانقدرم، جناب آقای دکتر راسخ که مسئولیت استاد مشاور این تحقیق را متحمل شدند و جناب آقای دکتر گرجی که عهده دار داوری این پایان نامه شدند، خاضعانه ممنونم.

متواضعانه از دلسوزی و فداکاری همسرم، حمایت بی دریغ و تشویق مستمر پدرم و محبت و دعای خیر مادرم متشکرم و دست آنها را می بوسم.

همچنین از تمامی دوستان و نزدیکانی که با راهنمایی ها، دعاهای خیر و تشویق و حمایتشان سهمی در انجام این تحقیق داشتند، کمال تشکر را دارم و برای همگی از خداوند منان طلب سعادت و حسن عاقبت دارم.

چکیده:

هدف و آرمان اصل حاکمیت قانون، محدود نمودن اختیارات مقامات حکومتی به قواعد حقوقی از قبل تعیین شده و ایجاد یک ساختار حقوقی و یک نظم قابل پیش بینی برای افراد جامعه است تا احتمال خودسری حاکمان و سوءاستفاده آنان از اختیارات در اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات حکومتی به حداقل برسد و از این رهگذر، بیشترین تضمین برای حقوق و آزادی های مردم و امنیت شهروندان فراهم آید.

نظریه ولایت مطلقه فقیه به عنوان تئوری حکومت اسلامی مبسوط الید در عصر غیبت، حوزه صلاحیت فراگیر و اختیارات گسترده ای را برای حاکم و ولی فقیه به عنوان امام امت، به منظور اجرای قوانین الهی و مدیریت و تدبیر جامعه و تامین مصالح نظام و امت اسلامی منظور داشته است.

این پژوهش نخست به بررسی مفهوم، مبنا، فلسفه و مولفه های نظریه ولایت مطلقه فقیه در فقه شیعه، و همچنین تبیین محتوا، بنیان، ضرورت و عناصر نظریه حاکمیت قانون در سنت حقوقی غرب پرداخته است و آنگاه با نشان دادن انعکاس این دو نظریه در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و بررسی تحلیلی عناصر اصلی این دو نظریه با نگاه تطبیقی، به این مسئله پرداخته است که چه نسبت منطقی میان نظام ولایت مطلقه و اصل حاکمیت قانون می توان برقرار نمود و بدین سوال اساسی پاسخ می گوید که آیا نظریه ولایت مطلقه فقیه با اصل حاکمیت قانون در منظومه حقوق اساسی ایران سازگاری دارد؟

واژگان کلیدی: ولایت مطلقه فقیه، اختیارات مطلقه، قانون، حاکمیت قانون، مفهوم حاکمیت

قانون، برداشت از حاکمیت قانون

فهرست اجمالی

۵	بخش نخست - کلیات و چارچوب نظری
۵	فصل نخست - ولایت مطلقه در فقه شیعه
۶	مبحث نخست - مفاهیم و پیشینه نظریه ولایت مطلقه
۲۳	مبحث دوم - مبانی و ادله ولایت مطلقه
۳۷	مبحث سوم - جایگاه حاکم در نظام ولایت مطلقه
۵۳	فصل دوم - نظریه حاکمیت قانون
۵۴	مبحث نخست - مفاهیم و پیشینه نظریه حاکمیت قانون
۶۸	مبحث دوم - برداشت ها از حاکمیت قانون
۷۴	مبحث سوم - مبانی حاکمیت قانون و نسبت حاکمیت قانون با برخی مفاهیم مرتبط
	بخش دوم - بررسی رابطه میان نظریه حاکمیت قانون و ولایت مطلقه فقیه
۹۰	در حقوق اساسی ایران
۹۱	فصل نخست - ولایت مطلقه و حاکمیت قانون در حقوق اساسی ایران
۹۱	مبحث نخست - ولایت مطلقه در جمهوری اسلامی
۱۱۰	مبحث دوم - سنت ایرانی حاکمیت قانون
۱۲۶	فصل دوم - مسئله شناسی و بررسی زمینه های تعارض میان دو نظریه
۱۲۶	مبحث نخست - ولایت مطلقه و تحدید قدرت سیاسی
۱۳۷	مبحث دوم - ولایت مطلقه و قانونمداری
۱۴۹	نتیجه گیری

فهرست تفصیلی مطالب

۱	مقدمه
۵	بخش نخست - کلیات و چارچوب نظری
۵	فصل نخست - ولایت مطلقه در فقه شیعه
۶	مبحث نخست - مفاهیم و پیشینه نظریه ولایت مطلقه
۶	گفتار نخست - پیشینه نظریه ولایت مطلقه
۶	بند نخست - ابواب فقهی مرتبط با ولایت مطلقه
۸	بند دوم - موضع فقها نسبت به ولایت مطلقه
۱۱	گفتار دوم - مفاهیم ولایت مطلقه
۱۲	بند نخست - مفهوم ولایت
۱۶	بند دوم - مفهوم مطلقه
۲۰	بند سوم - مفهوم فقیه
۲۳	مبحث دوم - مبانی و ادله ولایت مطلقه
۲۳	گفتار نخست - مبانی مشروعیت ولایت مطلقه
۲۳	بند نخست - نظریه انتصاب
۲۶	بند دوم - نظریه انتخاب یا مشروعیت الهی - مردمی
۲۸	گفتار دوم - ادله ولایت مطلقه
۲۸	بند نخست - دلایل عقلی محض
۳۰	بند دوم - دلیل مرکب از عقل و نقل
۳۴	بند سوم - دلیل نقلی محض

۳۷	مبحث سوم - جایگاه حاکم در نظام ولایت مطلقه
۳۷	گفتار نخست - نظام سیاسی حکومت اسلامی
۳۹	گفتار دوم - صلاحیت حاکم
۳۹	بند نخست - شئون حاکم
۴۰	بند دوم - وظایف و اختیارات حاکم
۴۴	بند سوم - حدود و قیود اختیارات حاکم اسلامی
۴۸	گفتار سوم - نظارت بر حاکم
۵۰	نتیجه گیری فصل نخست
۵۳	فصل دوم - نظریه حاکمیت قانون
۵۴	مبحث نخست - مفاهیم و پیشینه نظریه حاکمیت قانون
۵۴	گفتار نخست - پیشینه تاریخی حاکمیت قانون
۵۸	گفتار دوم - مفاهیم حاکمیت قانون
۵۸	بند نخست - مفهوم حاکمیت قانون
۶۱	بند دوم - مفهوم قانون
۶۳	بند سوم - ویژگی های قانون
۶۳	۱. ویژگی های ذاتی قانون
۶۵	۲. ویژگی های عرضی قانون
۶۶	بند چهارم - ارزش و هدف حاکمیت قانون

۶۸	مبحث دوم- برداشت ها از حاکمیت قانون
۶۸	گفتار نخست- برداشت های سنتی
۶۸	بند نخست- برداشت ارسطویی
۶۹	بند دوم- برداشت مونتسکیویی
۷۰	گفتار دوم- برداشت های مدرن
۷۰	بند نخست- برداشت شکلی
۷۲	بند دوم- برداشت ماهوی
۷۴	مبحث سوم- مبانی حاکمیت قانون و نسبت حاکمیت قانون با برخی مفاهیم مرتبط
۷۴	گفتار نخست- مبانی حاکمیت قانون
۷۴	بند نخست- آزادی
۷۵	بند دوم- حقوق بشر
۷۶	بند سوم- برابری
۷۷	۱. برابری شکلی
۷۸	۲. برابری ماهوی
۸۰	گفتار دوم- برخی مفاهیم مرتبط با حاکمیت قانون
۸۰	بند نخست- مشروطه خواهی یا قانون اساسی گرایی
۸۲	بند دوم- تفکیک قوا
۸۳	بند سوم- اصل قانونیت
۸۵	بند چهارم- دموکراسی
۸۶	بند پنجم- حاکمیت پارلمان
۸۸	نتیجه گیری فصل دوم

بخش دوم - بررسی رابطه میان نظریه حاکمیت قانون و ولایت مطلقه فقیه

در حقوق اساسی ایران

- ۹۰
- ۹۱ فصل نخست - ولایت مطلقه و حاکمیت قانون در حقوق اساسی ایران
- ۹۱ مبحث نخست - ولایت مطلقه در جمهوری اسلامی
- ۹۱ گفتار نخست - ولایت مطلقه در قانون اساسی
- ۹۱ بند نخست - ولایت مطلقه فقیه پیش از بازنگری قانون اساسی
- ۹۳ بند دوم - ولایت مطلقه فقیه پس از بازنگری قانون اساسی
- ۹۷ گفتار دوم - ولایت مطلقه در آرای تدوین کنندگان قانون اساسی
- ۹۷ بند نخست - ولایت مطلقه در مجلس خبرگان قانون اساسی
- ۹۸ بند دوم - ولایت مطلقه در شورای بازنگری قانون اساسی
- ۱۰۰ گفتار سوم - ولایت مطلقه در اندیشه رهبر جمهوری اسلامی
- ۱۰۰ بند نخست - در اندیشه حضرت امام خمینی
- ۱۰۰ ۱. دایره صلاحیت حاکم و حکومت اسلامی
- ۱۰۱ ۲. ولایت فقیه در قانون اساسی
- ۱۰۱ ۳. شان و جایگاه ولی فقیه
- ۱۰۲ ۴. مشروعیت نظام
- ۱۰۲ بند دوم - در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای
- ۱۰۲ ۱. مفهوم ولایت مطلقه فقیه
- ۱۰۳ ۲. جایگاه و نقش رهبر در نظام جمهوری اسلامی
- ۱۰۵ گفتار چهارم - ولایت مطلقه در تفاسیر شورای نگهبان

- ۱۰۸ گفتار پنجم - ولایت مطلقه در سایر مقررات
- ۱۰۸ بند نخست - دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت
- ۱۰۹ بند دوم - مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۱۱۰ مبحث دوم - سنت ایرانی حاکمیت قانون
- ۱۱۰ گفتار نخست - حاکمیت قانون در قانون اساسی
- ۱۱۴ گفتار دوم - حاکمیت قانون در آرای تدوین کنندگان قانون اساسی
- ۱۱۷ گفتار سوم - حاکمیت قانون در اندیشه رهبر جمهوری اسلامی
- ۱۱۷ بند نخست - در اندیشه حضرت امام خمینی
- ۱۱۷ ۱. جایگاه و ویژگی های قانون
- ۱۱۷ ۲. حکومت تابع قانون
- ۱۱۸ ۳. مفهوم قانون در جمهوری اسلامی
- ۱۱۹ ۴. برابری همگان در برابر قانون
- ۱۲۰ ۵. پاسخگویی رهبر
- ۱۲۱ بند دوم - در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای
- ۱۲۱ ۱. مفهوم و جایگاه قانون
- ۱۲۲ ۲. تبعیت رهبر و همگان از قانون
- ۱۲۳ ۳. پاسخگویی رهبر
- ۱۲۳ ۴. وظایف و اختیارات رهبر
- ۱۲۵ گفتار چهارم - حاکمیت قانون در تفاسیر شورای نگهبان

۱۲۷	فصل دوم - مسئله شناسی و بررسی زمینه های تعارض میان دو نظریه
۱۲۷	مبحث نخست - ولایت مطلقه و تحدید قدرت سیاسی
۱۲۸	گفتار نخست - نامحدود و مادام العمر بودن بودن دوره تصدی
۱۳۰	گفتار دوم - ولی فقیه و تفکیک قوا
۱۳۳	گفتار سوم - ولایت مطلقه و دولت حداقلی و بی طرف
۱۳۶	گفتار چهارم - نظارت پذیری و پاسخگویی رهبر
۱۳۶	بند نخست - نظارت عمومی
۱۳۷	بند دوم - نظارت مجلس خبرگان
۱۳۸	مبحث دوم - ولایت مطلقه و قانونمداری
۱۳۸	گفتار نخست - قانون اساسی و ولی فقیه
۱۴۴	گفتار دوم - اختیارات مطلقه
۱۴۶	گفتار سوم - برابری رهبر با آحاد مردم در برابر قانون
۱۴۷	گفتار چهارم - تضمین حقوق و آزادی های بنیادین
۱۵۰	نتیجه گیری
۱۵۴	منابع و مآخذ
۱۵۴	یکم) منابع فارسی
۱۵۴	الف) کتاب ها
۱۵۸	ب) قوانین
۱۵۸	ج) مقالات
۱۶۱	د) جزوات
۱۶۲	ه) پایان نامه ها

۱۶۲

دوم) منابع انگلیسی

۱۶۳

سوم) پایگاه های اینترنتی

۱۶۴

چکیده انگلیسی

مقدمه

پاسخگویی نظری به چالش‌ها و سوالات مطرح شده در نظام حقوقی هر کشور محتاج همت و تلاش اساتید، دانشجویان و بازیگران عرصه حقوقی آن کشور است. از عمده دلایل پدید آمدن چالش‌های نظری برای هر نظام‌های حقوقی و سیاسی، تعامل فرهنگی میان نظام‌های سیاسی است؛ بدین ترتیب که با ورود انواع مفاهیم سیاسی و حقوقی به دیگر نظام‌ها از طریق انواع کالاهای علمی و فرهنگی، و مقایسه و تطبیق آنها با عناصر و نهادهای از قبل موجود آن نظام حقوقی و سیاسی، نسبت سنجی و سپس ارزشگذاری میان این دو گروه از مفاهیم و مولفه‌ها، اجتناب‌ناپذیر است و آنگاه این مقایسه‌ها و تطبیق‌ها، مبنای قضاوت در خصوص بنیان‌های نظری آن نظام حقوقی و سیاسی قرار می‌گیرند.

نظریه مدرن حاکمیت قانون به همراه لوازم و مقتضیاتش، یکی از این دست گزاره‌ها است. حاکمیت قانون، به عنوان یک رهاورد سنت حقوقی مغرب زمین مانند مقوله‌های دیگری چون حقوق بشر، آزادی و برابری، وارد گفتمان سیاسی و حقوقی کشور ما گردیده و بسیاری از مفاهیم و نهادهای مستقر نظام جمهوری اسلامی از جمله نظریه حکومت اسلامی را با چالش‌های جدی تئوریک روبرو ساخت.

انگیزه انجام این پژوهش ناشی از رسالت فوق به عنوان یک دانشجوی، و همچنین ضرورت و اهمیت پرداختن به چنین موضوعات چالشی برای شخص مولف است. به علاوه تحقیق و مذاقه در مسائل و چالش‌های رویاروی حکومت اسلامی و به ویژه نظام ولایت فقیه و بررسی تطبیقی عناصر موجود در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های حقوقی - سیاسی در زمره علایق علمی نگارنده می‌باشد.

نظریه و نظام ولایت مطلقه فقیه به عنوان نظریه دولت در نظام سیاسی ایران، در مواجهه با اصل حاکمیت قانون، تحت تاثیر قرار گرفته و مبانی نظری آن مورد پرسش جدی قرار گرفت.

مسئله اینگونه مطرح می‌گردد که نظریه حاکمیت قانون به عنوان یک اصل و حتی ارزش سیاسی و حقوقی^۱، در واکنش به حکومت‌های فردی و خودکامه و استبدادی و به منظور مهار سوءاستفاده از قدرت سیاسی و ممنوع ساختن و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات و اقدامات خودسرانه

^۱ ایزدی. هیوا. جلوه‌های اصل حاکمیت قانون در برخی نظام‌های حقوقی معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده حقوق. تابستان ۱۳۸۴. ص ۱۷۳

از سوی حاکمان، تحدید قدرت سیاسی را ضروری دانست. بدین منظور، بر تعیین روشن و شفاف حوزه و حدود اختیارات و صلاحیت مقامات حکومتی و زمامداران در قانون، یعنی قواعد حقوقی از پیش تعیین شده، اصرار می نماید تا با اعمال این محدودیت، از تجاوز حاکمان به حقوق مردم و خودسری و سوءاستفاده آنان از قدرت و اختیارات ناشی از آن بکاهد و حتی از بروز چنین تعدیاتی جلوگیری نماید. به علاوه، دولتمردان در اتخاذ و اعمال تصمیمات حکومتی باید پایبند به قانون باشند و اعمال خود را مستند به قانون نمایند و در مقابل اعمال و رفتار خود پاسخگو باشند.

در سوی دیگر، نظریه و نظام ولایت مطلقه فقیه به عنوان تئوری دولت اسلامی، نقطه عزیمت و فلسفه تشکیل دولت اسلامی را، به طور کلی، اجرا و تحقق و حاکمیت بخشیدن به قوانین الهی در جامعه به منظور نیل امت اسلامی و جامعه انسانی به سعادت حقیقی معرفی می نماید. در این نظام سیاسی و حکومتی، پس از اصول عملی و احکام مدون شرع مقدس اسلام، ولی فقیه به عنوان حاکم، امام و رهبر جامعه در رأس سلسله مراتب زمامداری قرار می گیرد و برای ایفای وظایف حکمرانی و مدیریت و تدبیر جامعه و نظام اسلامی و تحقق اهداف شریعت و اجرای قوانین اسلامی و تأمین مصالح عمومی، از طیف وسیع اختیارات و حوزه گسترده صلاحیت برخوردار می باشد.

با عنایت به توضیح فوق، تضاد و تعارض احتمالی میان عناصر این دو نظریه چنین رخ می نماید : از یک سو حاکمیت قانون نقطه مقابل حکومت فردی و حاکمیت شخص است؛ در حالی که در نظام ولایت فقیه، یک شخص تحت عنوان ولی فقیه در رأس هرم قدرت قرار می گیرد و به اعمال قدرت مبادرت می ورزد. از سوی دیگر، حاکمیت قانون با اختیارات نامحدود و گسترده برای حاکمان سازگاری ندارد و آن را منشأ خودسری و خودکامگی و نقطه آغاز سوءاستفاده از اختیارات می شمرد؛ در صورتی که در نظریه ولایت مطلقه، ولی فقیه از طیف صلاحیت وسیع و حوزه اختیارات گسترده در زمامداری و حکمرانی، به منظور تحقق اهداف حکومت اسلامی برخوردار است. همچنین با انعکاس نظریه ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امکان جمع اختیارات مطلقه حاکم اسلامی با مقتضیات قانونمندی، به پرسش جدی حقوقدانان به ویژه دانشمندان حقوق عمومی و اساسی تبدیل گردیده است.

بنا بر توضیحات فوق، سوال اصلی تحقیق اینگونه صورت بندی می گردد :

آیا نظریه ولایت مطلقه فقیه با اصل حاکمیت قانون در منظومه حقوق اساسی ایران سازگاری دارد؟ به عبارت دیگر، چه نسبت منطقی میان عناصر و مولفه های حاکمیت قانون و اوصاف و لوازم نظریه ولایت مطلقه وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش، ناگزیریم سوالات فرعی زیر را طرح و بررسی نماییم :

۱. تعریف و عناصر اصلی نظریه حاکمیت قانون چیست؟
۲. تعریف و مولفه های نظریه ولایت مطلقه فقیه چیست؟
۳. ولایت مطلقه فقیه و اصل حاکمیت قانون چگونه در نظام حقوق اساسی ایران انعکاس یافته اند؟
۴. زمینه های تعارض احتمالی و یا سازگاری و همخوانی این دو نظریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

از بررسی اجمالی این دو نظریه چنین استنباط می شود که مبنا و هدف غایی دو نظریه، تا حدود زیادی با یکدیگر مشابهت دارند. حاکمیت قانون با نفی حکومت فردی و حاکمیت تصمیمات خودسرانه در تضاد و تنافی است و قانون را، حاکم بر رفتار زمامدار و شهروندان می داند و حاکمیت قانون را، بهترین چتر حمایتی برای حقوق مردم می داند. نظریه ولایت مطلقه فقیه نیز، با هدف اجرای قانون الهی و با نفی هرگونه حاکمیت غیرخدا، پا به عرصه مناسبات اجتماعی می نهد و کلیه حکومت های فردی و غیرفردی که بر مبنای خواسته ها و منافع حاکمان حکومت می کنند را، فاقد مشروعیت و صلاحیت زمامداری قلمداد می کند و یگانه قانون مطلوب و مشروع را، قانون خدا معرفی کرده و این قانون را دارای حاکمیت تام بر حاکم و محکوم در حکومت می شمارد.

اما شیوه و راهکار این دو نظریه برای دستیابی به هدف مطلوب متفاوت است. در شرایطی که حاکمیت قانون، اختیارات گسترده را زمینه ساز سوءاستفاده از قدرت و دست اندازی به حقوق مردم به شمار می آورد؛ نظریه ولایت مطلقه، صرف اختیارات گسترده و حوزه عمل وسیع برای زمامدار را، واجد چنین اثری ندانسته و قرار دادن حاکمی عالم به قانون و پایبند و ملتزم به قانون (فقیه عادل) در مرکز ثقل نظام را، ضامن مناسبی برای اجرای قانون و حسن استفاده از قدرت می شمارد. ضمن اینکه لزوم نظارت ناظران بیرونی بر این مقام را نفی نمی کند و آن را وظیفه همه شهروندان دولت اسلامی تلقی می کند.

این تحقیق بر اساس شیوه های توصیفی، تاریخی و تحلیلی و انتقادی برحسب اقتضای هر فصل و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه ای مانند کتاب ها، مقالات، پایگاه های اطلاعاتی اینترنتی (اعم از فارسی و انگلیسی)، نشریات، جزوات اساتید محترم و پایان نامه ها و سایر منابع کتابخانه ای سامان یافته است.

از مهمترین موانع تحقیق حاضر می توان، تقارن زمانی مراحل تکمیل و آماده سازی تحقیق با برگزاری آزمون دکتری تخصصی حقوق عمومی و آزمون اختبار کانون وکلا، دسترسی دیر هنگام به برخی منابع انگلیسی تحقیق و برخی مشکلات و معضلات خاص شخصی و خانوادگی را برشمرد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که گرچه در مورد مفاهیم و گزاره هایی مانند اصل حاکمیت قانون، دولت قانونمدار، قانونمداری، ولایت مطلقه، اختیارات مطلقه و مانند آن مطالب و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده است؛ اما آنچه این نوشته را از سایر مطالب و نگاشته ها متمایز ساخته و آن را نو و برجسته نشان می دهد، بررسی تحقیقی و تحلیلی عناصر این دو نظریه در حقوق اساسی ایران با دیدی تطبیقی است.

این پژوهش در دو بخش که هر یک مشتمل بر دو فصل است تنظیم گردیده است.

در فصل نخست از بخش نخست، به شیوه توصیفی و تاریخی و در قالب سه مبحث به صورت مبسوط، به مفاهیم، پیشینه، مبانی و مولفه های نظریه ولایت مطلقه در فقه امامیه و نظریه سیاسی اسلام پرداخته ایم. فصل دوم از این بخش نیز، عهده دار تبیین تاریخچه، مفاهیم، عناصر و بنیان های اصل حاکمیت قانون در سنت حقوقی غرب می باشد. ضمناً در پایان هر فصل به اختصار و در چند بند، مطالب را خلاصه نموده و نتیجه گیری کرده ایم.

فصل نخست از بخش دوم این پژوهش طی دو مبحث، تجلی نظریه ولایت مطلقه فقیه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی و سنت ایرانی حاکمیت قانون را توصیف و تشریح می نماید. فصل دوم این بخش به صورت تحلیلی، به نسبت سنجی میان عناصر دو نظریه در حد بضاعت علمی و مجال زمانی نگارنده پرداخته است.

نگارنده ضمن اذعان به نواقص و ایرادات احتمالی، استماع انتقادات را بر خود فرض دانسته و خود را نیازمند انتقادات سازنده و دوستانه همه خیرخواهان می داند.

بخش نخست – کلیات و چارچوب نظری

این بخش در دو فصل ارائه می شود. در فصل نخست به بررسی و توصیف نظریه ولایت مطلقه فقیه در فقه امامیه و مختصات آن در نظریه سیاسی اسلام می پردازیم. سپس در فصل دوم مفاهیم و اوصاف نظریه حاکمیت قانون و عناصر اصلی آن را بیان خواهیم نمود.

فصل نخست – ولایت مطلقه در فقه شیعه

این فصل که در پی معرفی نظریه ولایت مطلقه در فقه شیعه است در سه مبحث ارائه می شود. در مبحث نخست ابتدا مفاهیم و مؤلفه های محوری این نظریه به همراه ارائه تاریخی آن مختصر از این ایده در طول تاریخ فقه امامیه مورد توجه قرار می گیرد. در مبحث دوم، مبانی مشروعیت ولایت مطلقه و همچنین ادله اثباتی آن مورد بررسی قرار می گیرد و نهایتاً در مبحث سوم جایگاه و نقش حاکم و رهبر در این نظریه را به بحث خواهیم نهاد.

مبحث نخست - مفاهیم و پیشینه نظریه ولایت مطلقه

گفتار نخست - پیشینه نظریه ولایت مطلقه^۱

بند نخست - ابواب فقهی مرتبط با ولایت مطلقه

بحث از ولایت فقیه، ویژگی‌ها، شرایط و اختیارات آن به دیرینگی دانش فقه و همزاد آن است. از نخستین دوره‌های تدوین فقه کلاسیک شیعه، موضوع واگذاری ولایت از سوی امامان معصوم به فقیهان عصر غیبت در کانون گفتگوهای علمی بوده است.^۲

البته باید دانست که باب جداگانه و بحث فراگیری در مورد ولایت فقیه و حدود اختیارات آن، در کتب و آثار فقهی گذشته وجود ندارد و دلیل این امر را باید در عللی همچون شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر تاریخ گذشته سرزمین‌های اسلامی، سلطه حکومت‌های جائر و ناممکن بودن طرح چنین مباحثی و همچنین دور از ذهن بودن امکان عملی تشکیل حکومتی مبسوط‌الید تحت حاکمیت فقیهان جامع‌الشرایط جستجو نمود.^۳ اگر کسانی گمان کنند که شیعه تا یکی دو قرن اخیر بحثی فقهی در باب ولایت و امارت در قلمرو سیاسی نداشته و نسبت به این حوزه از حیات اجتماعی سکوت اختیار کرده، بی شک با فقه و تاریخ سیاسی شیعه آشنایی ندارند.^۴

«در فقه ابوابی در ارتباط با موضوع ولایت وجود دارد، از جمله: باب «ماینبغی للوالی العمل به فی نفسه و مع اصحابه»، و باب «جواز قبول الهدیه من قبل الوالی الجائر»، و باب «تحریم الولایه من قبل الجائر»، و باب «شراء ما یأخذہ الوالی الجائر» و ... که در تمامی این موارد، ولایت به معنای رهبری و زعامت و کشورداری آمده است که در رابطه با سیاستمداری و عهده‌دار شدن در امور عامه و شئون همگانی است».^۵

فقیهان بزرگ شیعه از آغاز ساماندهی نگارش فقه در کنار و همراه بحث‌های فقهی هر جا شایسته دیده از اشاره به مسأله و یا طرح و بحث آن خودداری نورزیده و در بحث‌های گوناگون فقهی همچون

^۱ برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه ولایت فقیه برای نمونه نک:

جهان بزرگی. احمد. پیشینه تاریخی ولایت فقیه. اندیشه حوزه. سال پنجم. ش ۱. تابستان ۱۳۷۸. صص ۲۰۷-۱۸۶

^۲ حسینی. سیداحمد. ولایت مطلقه فقیه. نشریه فقه (کاوشی نودر فقه اسلامی). شماره ۲۱ و ۲۲.

پاییز و زمستان ۱۳۷۸. ص ۱۱

^۳ جعفرپیشه فرد. مصطفی. پرسش‌ها و پاسخ‌های سیاسی. پرسش هفتم. قابل دسترسی در ۱۳۸۸/۴/۳۱

www.porsojoo.com/fa/node/2118

^۴ رحیم پور ازغدی. حسن. فقه و تئوری دولت. طرح فردا. چاپ اول ۱۳۸۷. ص ۹

^۵ معرفت. محمد هادی. تبیین مفهومی ولایت مطلقه فقیه. حکومت اسلامی. سال پنجم. شماره پانزدهم. ص ۱۱۳

نماز جمعه در عصر غیبت، جمع‌آوری و مصرف خمس و زکات، حکم به رویت هلال، جهاد، انفال، امر به معروف و نهی از منکر، اولیای عقد در بحث بیع و نکاح، حجر، قضا، حدود و ... کم و بیش به پاره‌ای از زوایای ولایت فقیه پرداخته‌اند و هر زمان که زمینه‌های اجتماعی و سیاسی حکومت و ولایت فقیه را سازگار و سازوار بازشناخته‌اند، به شرح از آن سخن گفته‌اند.^۱

البته باید اذعان نمود که از دوره صفویه که مذهب رسمی ایران، به تشیع تبدیل می‌شود و فشار سنگین سیاسی نظامی علیه شیعیان و فقها در ایران، تخفیف می‌یابد و فقیه شیعه به تدریج، امکان اظهارنظرهای نسبتاً صریح‌تری می‌یابد، متون فقهی شیعه با مسئله سیاست و حکومت تا حدودی واضح‌تر و ریزتر برخورد می‌کنند؛ زیرا شرایط تقیه تا حدودی تسهیل می‌گردد و از این رو است که فتاوی سیاسی فقهای شیعه در چهار قرن اخیر علنی‌تر و شفاف‌تر شده است.^۲

باید دانست که ولایت فقیه از بعد علمی و عملی، پیشینه‌ای کهن دارد. از بعد عملی، تاریخچه این مسئله به زمان حضور ائمه بازگشت دارد؛ یعنی آن زمان که برخی از شاگردان برجسته ائمه به وکالت و نمایندگی از ایشان، به تبلیغ احکام و صدور فتوا و حل و فصل منازعات و اجرای حدود می‌پرداختند، چنانچه مالک اشتر از سوی حضرت علی برای حکومت مصر به این منطقه اعزام شد. با آغاز غیبت کبری، فقها به عنوان نائبان عام امام زمان (عج) محل رجوع شیعیان شدند. آنها علاوه بر پاسخگویی به سؤالات و دریافت و صرف وجوهات در موضع خود، در صورت امکان به قضاوت و اجرای حدود نیز می‌پرداختند.^۳

^۱ حسینی. پیشین. ص ۱۵

^۲ رحیم پورازغدی. پیشین. ص ۲۲

^۳ نصرتی. علی اصغر. نظام سیاسی اسلام. انتشارات امام عصر. چاپ اول. تابستان ۱۳۸۲. صص ۲۲۸-۲۲۷

بند دوم - موضع فقها نسبت به ولایت مطلقه

موضع فقهای امامیه در باب مسأله ولایت مطلقه فقیه را می‌توان در دو دیدگاه کلی طبقه بندی

نمود:^۱

۱. ناباورمندان یا مخالفان ولایت مطلقه فقیه

۲. باورمندان یا مدافعان ولایت مطلقه فقیه

دسته نخست دلیل درخور اعتمادی که بتواند نیابت عامه و ولایت مطلقه فقیه را از جانب امام معصوم در روزگار غیبت ثابت کند، به گونه‌ای که تمام اختیاراتی پیامبر و امام به عنوان رهبر جامعه برای فقیه ثابت باشد، نیافته‌اند و ادله قائلان به ولایت مطلقه را ناتمام دانسته‌اند.

به عنوان نمونه مرحوم آیت الله خویی، فقیه را مجاز به تصرف در امور حسبه می‌دانند.^۲ به اعتقاد ایشان دلیل لفظی معتبر و یا هیچ دلیل معتبری که ولایت مطلقه فقیه را ثابت کند، نداریم.^۳

مرحوم آیت الله نائینی نیابت فقها در عصر غیبت نسبت به وظایف حسبه را، حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب، ثابت و قدر متیقن دانسته‌اند.^۴ اما به نظر ایشان، حفظ مرزها و نظم کشور و جهاد و اجرای حدود و اخذ خمس و زکات و اقامه جمعه، برای فقیه ثابت نیست.^۵

در مقابل، دسته دوم یا مدافعان نظریه ولایت مطلقه بر این باورند که ولایت و زعامت امت، با تمام شئون و اختیاراتی که برای پیامبر و امام در حوزه اداره جامعه ثابت است، در زمان غیبت بی‌کم و کاست به عهده فقیه آگاه، مدیر، مدبر و عادل است؛ مگر آنکه در جاهایی دلیل خاص پیدا شود که انجام آنها در حوزه اختیار معصوم است.^۶

^۱ حسینی. پیشین. ص ۲۰

^۲ خویی. ابوالقاسم. التنقیح. ج ۱ به نقل از ارسطا. محمدجواد. ولایت و محجوریت. کتاب نقد. سال دوم. شماره ۸. ص ۷۱

^۳ خویی. ابوالقاسم. مستند عروه الوثقی. ج ۲ به نقل از حسینی. پیشین ص ۳۶

^۴ نائینی. علامه میرزا حسن. تنبیه الامه و تنزیه المله. با تصحیح روح الله حسینیان. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ دوم. پاییز ۱۳۸۷. ص ۱۰۷

^۵ نائینی. محمدحسن. منیه الطالب. ج ۱. به نقل از ارسطا. پیشین. ص ۷۱

^۶ حسینی. پیشین. ص ۲۰